

# تشديد رقابت های اقتصادی در منطقه و صلح در افغانستان

سرمقاله

## خوشبینی ها در باره صلح

حفيظ الله زكي

طالبان يك گروه افراطي است كه به شكل يك پروژه سياسي - اقتصادي از سوسوی برخی کشورهای خارجی ساخته شد و در شرایطی كه مردم افغانستان از جنگ های گروهی و داخلی به ستوه آمده بودند، با شعار صلح و تطبیق قانون اسلام هم از لحاظ قدرت نظامی قوی ظاهر شدند و هم از لحاظ اجتماعی با دو شعار صلح و اسلام، دل بسیاری از مردم را به سوی خود جلب کردند. گروه های مجاهدین نیز از ظهور ناگهانی طالبان گنجه و سراسیمه شده بودند.

هیچ گروهی نمی خواستند با طالبان جنگ کنند؛ زیرا می دانستند كه جنگ آنها به لحاظ قومی جنگ با قوم پشتون و به لحاظ اجتماعی جنگ با صلح و به لحاظ دینی جنگ با دین تلقی می شدند.

مهم موضع دولت مجاهدین بود كه در آن زمان در كابل قدرت را در دست داشتند.

اگرچه این دولت نیز مشروعیت نداشت و بسیاری از گروه ها و مجاهدین با این دولت مخالف و یا در حال جنگ بودند، با آن هم موضع گیری دولت در قبال طالبان از اهمیت برخوردار بود. اما دولت نیز موضع بسیار محافظه كارانه در برابر طالبان اتخاذ كرد.

حتا صحبت از همکاری و مذاكره با این گروه در میان بود.

طالبان پس از قندهار، زابل و غزنی را هم بدون جنگ و درگیری تصرف كرد. اما دولت در زیر دوسنگ آسیاب گیر مانده بود. دولت می دید كه طالبان به دروازه های كابل نزدیک شده است. آیا با طالبان باید بجنگد، در آن صورت با واكنش احزاب عمدتاً پشتونی مواجه می شدند كه تا آن زمان با دولت همکاری و همراهی داشتند. اگر نمی جنگیدند كه طالبان نظام سیاسی موجود را از بین می بردند.

تنها راهی كه يك مقدار مقامات دولتی را اميدوار می ساختند، مشاركت طالبان در قدرت سیاسی مجاهدین بود. این مقامات اميد داشتند كه با مذاكره با طالبان شاید آنها را در تأسیس يك دولت مشاركتی با اشتراك تعدادی از گروه های مجاهدین قانع سازند. غافل از این كه طالبان جزو با شكست نظام سیاسی موجود و روی كار آوردن نظام مورد علاقه شان به چیزی دیگری راضی نمی شدند.

به همین اميد وقتی طالبان در لوگر و میدان وردك رسیدند، حكومت خواست به آنها وارد مذاكره شود، اما طالبان طرح دولت را برای مشاركت در قدرت به صراحت رد كردند و نمایندگان دولت را مأیوس روانه پایتخت نمودند.

این گروه بالاخره كابل را گرفت و نود فیصد خاک افغانستان را تحت سلطه خود آورد.

طالبان پس از حملات یازدهم سپتامبر مورد غضب آمریکا واقع شد و با تلاش آمریکا ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم شكل گرفت كه تا امروز این مبارزه جریان دارد.

در این مدت شبکه القاعده و طالبان از افغانستان به بیرون رانده شدند، رهبر القاعده كشته شد.

رهبر طالبان نیز به شكل مرموزی از بین رفت و رهبر شبکه حقانی هم مرد. چنین گروه هایی لزوماً پس از از بین رفتن رهبر اولی خواه خواه دو دستگی هایی در داخل گروه شان پدید می آید، یا بسیاری از روابط خارجی شان خدشه دار می شود.

طالبان پس از ملاعمر ملاختر محمد منصور به عنوان رهبر خود برگزید، گفته می شود این انتخاب با مخالفت تعدادی از اعضای رهبری طالبان قرار گرفته است.

از طرف دیگر مذاكرات صلح هم به راه افتاده و قرار بود دور دوم مذاكرات صلح روز جمعه برگزار شود كه تا زمان نامعلومی به تعویق افتاد. حال سؤال این است كه این گروه با این پیشینه چه نقشی می تواند در روند صلح ایفا نماید؟

این مسأله بستگی به سیاست خارجی دولت افغانستان دارد و بستگی به خواست كشورهای داره كه به منظور اهداف سیاسی واقتصادی پروژه طالبان را راه اندازی کرده بود.

اگر آنها سیاست دولت را در راستای منافع خود تشخیص دادند، در آن صورت گروه طالبان را مجبور به مذاكره و مشاركت در قدرت سیاسی خواهد ساخت و اگر این منافع تأمین نشود طالبان و یا هر گروه دیگر باز همان بازی را در افغانستان ادامه می دهند.

مدخل:

پس از آنكه توافق بین ایران و قدرت های جهانی بر سر فعالیت های هسته ای ایران صورت گرفت وراه همای رفع تحریم ها را بر ایران آسان ساخت ، ایران با استفاده از بعیان آمدن وضع جدید در بستر سیاست جهانی نسبت به ایران و روابط ایران با گروه ها و احزاب همسو در افغانستان ، نقش اقتصادی بزرگتری را در همکاری هند برای خودش در افغانستان و آسیای میانه در نظر دارد و این امر بر صلح و جنگ در افغانستان اثرات خاص خود را دارد كه اینجا می كند بر آن تركیز صورت گیرد.

میرهن است كه افغانستان مركز تلاقی رقابت های اقتصادی منطقه ای است و این امر اینجا می كند كه افغانستان برای سالم ماندن و استفاده از فرصت ها اقتصادی و گام نهادن در شاهراه ترقی و ، تعالی و شگوفانی بدور از تقلبات انتخاباتی فساد اداری در دوائر دولتی ، باید ساختار های سیاسی خود را در چوكات حقوقی ، در سطح ملی و حقوق بین الملل ، در سطح بین المللی تنظیم كند تا هم استقلالیت اش خدشه دار نشود و هم بتواند كه در سطح منطقه و جهان محیط امن برای سرمایه گذاری و رشد روابط سالم اقتصادی باشد.

نماینده ایران در دهلی تو ابراز داشته كه رئیس جمهوری ایران آقای روحانی به مبلغ ۸ بلیون (مليارد) دلار ، سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی ، شامل توسعه نقش بندر چابهار را تقاضا کرده است ، ( بندری كه راه ورود ایران و هند را از طریق افغانستان به آسیای میانه میسر و ممكن می سازد.

بندر چابهار در جنوب شرقی ایران در دریای عمان مركز تلاش های هند است تا در رقابت های اقتصادی منطقه ای) رقیب اصلی خود پاکستان را دور زند و راه را به افغانستان (سرزمینی كه محاط به خشكه است) جانیكه روابط امنیتی و منافع اقتصادی منطقه باهم تلاقی دارند ، باز كند.

هم ایران و هم هند در تلاش اند كه در

همکاری های تجارتي بر محور نقش اساسی بندر چابهار ، از طریق افغانستان خود را به آسیای میانه وصل می كند ، راهی است كه از بندر چابهار و افغانستان می گذرد پس بندر چابهار از اهمیت خاص در سیاست خارجی و اقتصادی هند برخوردار است و جایگاه ویژه آن نمایان است همان گونه كه در سیاست اقتصادی ایران جایگاه مشخص دارد.

همکاری ایران و هند در انكشاف بندر چابهار در سال ۲۰۰۲ آغاز شد اما توسعه بندر چابهار از اثر تحریم ها بر ایران ناشی از پروگرام های غیر مجاز هسته ای ایران به كندی گرائید، اما با وجود تحریم ها، هردو مملكت هند و ایران روابط نزدیک خود را حفظ كردند و در سال گذشته تجارت تیل بین این دو مملكت تا ۲۲۰۰۰۰ به نصف کاهش داشت. در حالی كه روابط هند با ایران به آهستگی پیشرفت داشت؛ اما انكشافات دیگر منطقه آهسته آهسته به نفع پاکستان پیش می رفت.

در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ، پاکستان بار دیگر پس از خاتمه جنگ سرد، جایگاه اهم را دارا شده است ، با وجود اینکه پس از خاتمه جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، ایالات متحده آمریکا با هند در يك همگرایی آمد یعنی دیموکراسی شرقی و غربی به تفاهم رسیدند و آشتی كردند. .

پاکستان پس از افت خیز های متناوب در سیاست خارجی آمریکا از سه لحاظ بار دیگر تحت فوكس سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است كه عبارتند از:

۱- تحریرك طالبان افغانستانی كه در بستر سیاست خارجی - اقتصادی پاکستان

تحلیگر : عبدالصير صديقي / قسمت اول



۱- جلوگیری از ظهور مجدد سازمان القاعده.  
۲- جلوگیری از سلاح های هستوی  
۳- تقویت ثبات منطقه ای ( مبارزه با گسترش داعش)  
طرح این سه مورد در استراتژی نظامی آمریکا و به تبع در سیاست خارجی آمریکا ، اهمیت افغانستان نیز در رابطه و پیوست با پاکستان مطرح است كه این مورد هم بارز و چشمگیر است.

این سه مورد یاد شده در بالا ، بر اساس اظهارات جنرال دانفورد رئیس بدعی ستاد مشترك نیرو های ایالات متحده آمریکا رقم زده شده اند. دانفورد اخیرا گفته بود كه همکاری پاکستان برای حصول اطمینان در نتیجه صلح آمیز در افغانستان مهم است.

از نظر جنرال دونفورد ، روابط آمریکا و پاکستان ، بطور كلي روابط اساسی برای امنیت ملی آمریکا است پس آمریکا ضرورت خواهد داشت كه با پاکستان در جهت شكست سازمان القاعده همکاری كند و ثبات در پاکستان را حمایه كند و تا يك صلح دوامدار در افغانستان بانجامد. جنرال دونفورد تذكر داد كه در صورت تأیید ، به برسی خصوصیت ها و ویژگی های رابطه بر اساس ارزیابی هایش، دلبستگی های آمریکا با پاکستان و از اهمیت پاکستان در دست یابی اهداف آمریکا ، ادامه خواهد داد.

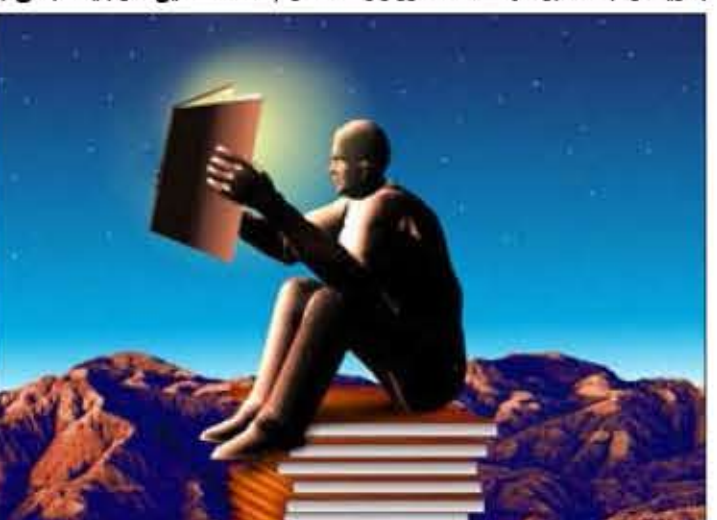
جنرال دونفورد از ادامه ارزیابی مؤثریت همکاری های نظامی بین آمریکا و پاکستان اظهاراتی داشت تا با همکاری پاکستان در كار باهمی با پاکستان ، شناسایی راه های راهی در بلند بردن ثبات در منطقه مؤثر باشد. تجزیه و تحلیل: آشكار و میرهن است كه آسیای جنوبی نمایانگر فعالیت های تروریستی و افراط گرایانه در سه كتگوری است كه هر سه نوع با هم مشابهنهت ها و تفاوت های دارند كه عبارتند از:

۱- تحریرك طالبان افغانستانی كه در بستر سیاست خارجی - اقتصادی پاکستان

# مطالعات فرهنگی، نظریه انتقادی و حاکمیت فرهنگی

کنت تامپسون/ مترجم: استاد یونس شکرخواه / قسمت اول

زندگی او وجود داشت و در هر زمان ممکن به این ارتباط می پرداخت. از دیدگاه وی، راهی برای غلبه بر این تضاد فرهنگ و دولت به متابه دو عنصر مهم سازنده زندگی اجتماعی به نظر نمی رسید. اما بالاخره او تصدیق کرد علیه رگم ادعاهای استقلال و بحث هنر برای هنر، خالقان فرهنگ نمی توانند از روندهای اجرایی عقب بنشینند (آدورنو، ۱۹۹۱: ۱۰۲). یکی از سواردی كه او بیشترین اميد به آن را در قالب سیاست برای اجرای فرهنگ دارد و به آن در انتهای مقاله «فرهنگ و اجرا» اشاره می كند این است كه باید به محتوای ویژه فعالیت هایی كه اجرا می شود، احترام گذاشت. این امر باید مبتنی بر



نقش به سزایی داشت و پس این تلقی از طریق آثار توماس كارلايل به انگلیس منتقل شد و سپس بر نقد موسیالیستی نوپای چهره هایی چون ویلیام مورس و جان راسکین تأثیر گذاشت. در پایان قرن نوزدهم واژه فولك كه مورد علاقه رومانیتست ها بود به واژه توده ها تغییر یافت. در مورد مکتب فرانكفورت، در آغاز از آلمان و سپس در دوران تبعید در آمریکا يك بازنگری رادیکال در مقوله نقد جامعه توده وار صورت گرفت. این كار از طریق همگراسازی عناصر آن با تحلیلی از انحصار سرمایه گذاری صورت عملی به خود گرفت. این امر به ویژه با اتکا بر آنچه كه آدورنو و

اروپایی رفت و با جذب این موارد، آنها را در ارزیابی خرده فرهنگ ها و فرهنگ مردمی به كار گرفت. مطالعات فرهنگی بریتانیایی در مرحله كتونی از جنبه نظری از تنوع بیشتری برخوردار شده و با مسائل مرتبط با سیاست فرهنگی بیشتر درگیر شده است. این مسائل مواردی مشتمل بر باز نمودهای فرهنگی از نژاد و قومیت تا سیاست های مرتبط با موزه ها را در برمی گیرد. این مرصه كاملاً دغدغه های فزاینده مربوط به مقوله «مقید بودن» در مطالعات فرهنگی را نشان می دهد. این موضوع با كار فوكو دربارسه حكومت گری آغاز می شود (فوكو، ۱۹۹۱) كه بر موضوع نقش شكل های ویژه دانش و تخصص در سازماندهی حوزه های حكومت و مدیریت اجتماعی می پردازد (بت، ۲۰۰۰: ۱).

در مقایسه مراحل اولیه و بعدی، این نکته های آموزنده است كه باید به نقش نقدها و دغدغه های مطالعات فرهنگی بریتانیا در زمینه سیاست و اجرای فرهنگ، احترام گذاشت. در این زمینه استدلال خواهد شد كه در حالی كه تأکید مطالعات فرهنگی بریتانیا بر جدایی منتقدانه از حاشیه ها متمرکز بوده است، اما همیشه این امر با مسائل مرتبط با سیاست و مدیریت فرهنگی عجین بوده است. تنش مشابهی را هم می توان در سنت مکتب فرانكفورت دید.

نظریه انتقادی و اداره فرهنگی: آدورنو و هابر ماس «فرهنگ توده»، هدف انتقادی مشترك مکتب فرانكفورت و نسل اول مطالعات فرهنگی بریتانیا بوده است. در هر دو مورد، منشأ انتقادها از جریان چپ آغاز شده و بر تأثیرات «صنعت فرهنگ» سرمایه داری بر فرهنگ طبقه كارگر متمرکز بوده است. با این همه، نقد فرهنگ توده نیز محور مشتركی داشته كه مشتمل بر نقدهای محافظه كارانه و رومانیتیک از سرمایه داری و شكل های تجاری فرهنگ هامة در قرن نوزدهم بوده است.

در واقع، نخستین ابراز حلقه روشنفكری به تعقیب فرهنگی مردم هادی از كشف رومانیتیک «فولك» (مردم) در آلمان آغاز می شود و تا پایان قرن هجدهم ادامه می یابد. آثار گوته و هررد در ایجاد تصویری از «فولك» سنتی قبل از دوران صنعتی،

می توان چنین استدلال كرد كه در پرتو «چرخش فرهنگی» در جامعه شناسی، جستجو برای منابع جدید نظریه انتقادی می تواند به طرز مفیدی با ملاحظه سهم مرصه بین رشته ای مطالعات فرهنگی آغاز شود. این امر به ویژه در رابطه با موضوع سازش دادن نظریه انتقادی رادیکال با نیازهای سیاست و اجرای فرهنگ؛ می تواند با درس های آموخته شده از مکتب فرانكفورت و سپس مطالعات فرهنگی بریتانیایی مرتبط باشد.

در این مقاله برای ترسیم این موضوع غامض، سهم این دو سنت در نظریه فرهنگی و مباحث مرتبط با حاکمیت فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

در جستجوی منابع جدید برای نظریه فرهنگی

می توان چنین استدلال كرد كه در پرتو «چرخش فرهنگی» در جامعه شناسی، جستجو برای منابع جدید نظریه انتقادی می تواند به طرز مفیدی با ملاحظه سهم مرصه بین رشته ای مطالعات فرهنگی آغاز شود. این امر به ویژه در رابطه با موضوع سازش دادن نظریه انتقادی رادیکال با نیازهای سیاست و اجرای فرهنگ؛ می تواند با درس های آموخته شده از مکتب فرانكفورت و سپس مطالعات فرهنگی بریتانیایی مرتبط باشد.

در این مقاله برای ترسیم این موضوع غامض، سهم این دو سنت در نظریه فرهنگی و مباحث مرتبط با حاکمیت فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

در جستجوی منابع جدید برای نظریه فرهنگی

کارتون روز

جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت امور داخله  
ریاست پاسپورت

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

وزارت امور داخله

جمهوری اسلامی افغانستان

نگاه روز

ریاست پاسپورت

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازرگانه نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرقاله پیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا

مدیر مسول: محمد رضا هویدا

سردبیر : حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی

مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Quality of Print and Features